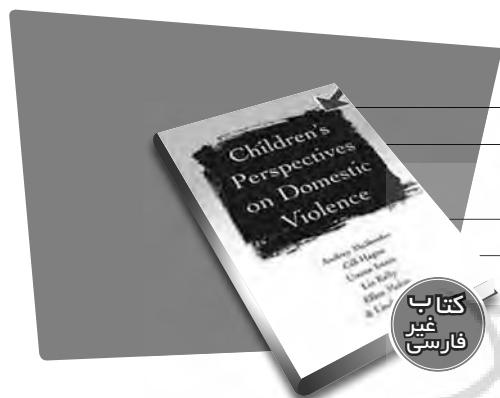


نگاه کودکان به خشونت خانگی

• وینگ هونگ چوی*
ترجمه ملیکا تعالی خواه



- children's perspectives on Domestic violence
- Audrey Mullender, Gill Hague, Umme Imam, Liz Kelly, Ellen Malos and Linda Rigan
- Sage, London
- 2002, 258 pp.

کتاب
غیر
فارسی

جای اینکه کودکان به عنوان افرادی غیر قابل اطمینان در نظر گرفته شوند باید در گزارشی که از تجربیاتشان می‌دهند، با آنها مانند شهروندان کامل رفتار نمود. نویسندگان توجه خوانندگان را به خطرات پیش‌دآوری درباره مسائل کودکان جلب می‌کنند و مدافع این هستند که اساس آگاهی ما از کودکان باید توصیفات خود آنها درباره نیازهایشان باشد.

فصل دو به طور مختصر به شیوه‌های تحقیق و رویکردهای معرفت‌شناسانه فمینیستی، استفاده از روش‌شناسی ترکیبی (یعنی هم شیوه‌های تحقیق کمی و هم شیوه‌های تحقیق کیفی)، نمونه‌گیری و دغدغه‌های اخلاقی (نظیر رازداری و جلب رضایت) در مطالعه حاضر پرداخته است. به طور خلاصه، این مطالعه در دو مرحله صورت گرفته است. مرحله اول پیمایش مدرسه‌ای و مرحله دوم، مصاحبه‌های ژرفایی با ۵۴ کودک، ۲۴ مادر و ۱۴ متخصص. چهار سؤال برای تحقیق انتخاب شده‌اند، برای مثال «چگونه کودکان تجربه زندگی با خشونت خانوادگی را درک می‌کنند؟»، «از چه راهبردهایی برای مواجهه با آن استفاده می‌کنند؟»، «چه تمهیداتی برای رفع نیازهایشان و تدوین راهبردهای مواجهه در نظر می‌گیرند؟»، «به نظر کودکان و جوانان این امر چگونه می‌تواند بهبود یابد؟» (ص ۲۵). به این سوالات پیچیده در فصول بعدی پاسخ داده شده است.

کتاب «چشم‌اندازهای کودکان درباره خشونت خانوادگی» کتابی شایسته و مناسب در خصوص نظرات کودکان و جوانان درباره خشونت خانوادگی است. به عبارت مشخص‌تر، این کتاب اثر خشونت خانوادگی بر کودکان و چگونگی مقابله با آن را توضیح می‌دهد و بیان می‌کند که چه کارهایی بهترین کمک را به کودکان می‌کند تا بتوانند زندگی‌شان را تغییر دهند. مطابق معمول خشونت خانوادگی، حوزه موضوعی حساس و عاطفی است، خصوصاً زمانی که ناظر به واقعیت‌های خشن شکل‌های گوناگون آزار باشد که کودکان گزارش می‌کنند. تیمی مجرب از محققان برای مثال آدری مالندر، جیل هاگو، یومه امام، لیز کلی، الن مالوس و لیندا ریگان به این موضوع [خشونت] به شیوه جامعی می‌پردازند و کتاب به طور موفقیت‌آمیزی یافته‌های آنان را در تحقیقات دقیق‌شان ارائه می‌کند، [نتایجی] که بر اهمیت گوش دادن به حرف‌های بچه‌ها و در نتیجه آموختن از تجربه منحصر به فردشان تأکید می‌کند. هم‌چنین مطالعه آنان نمونه‌ای عالی برای نشان دادن این است که چگونه می‌توان رویکردی کودک محور برای تحقیق در خصوص کودکان طراحی کرد. این کتاب به نه فصل و یک پیوست تقسیم شده است. فصل اول، مروری است بر شمار قابل ملاحظه‌ای از مطالعات در خصوص حقوق کودکان، جامعه‌شناسی دوران کودکی و سوءاستفاده از کودکان، به



این پیمایش پهن دامنه به راستی در نوع خود اولین پیمایشی است که معنای خشونت خانوادگی را میان کودکان مدرسه ابتدایی و راهنمایی مورد کاوش قرار می‌دهد

این کتاب در درک اینکه کودکان و جوانانی که در شرایط خشونت خانوادگی زندگی می‌کنند چه می‌خواهند و به چه چیز نیاز دارند؛ برای متخصصانی که به طور مستقیم در زمینه حمایت از کودک فعالیت می‌کنند، مدارس و دادگاه‌های جنایی آموزنده و مفید است



در حالی که فصل سوم، اصولاً یافته‌های کمی حاصل از پیمایش مدرسه‌ای با ۱۳۵۹ نفر از کودکان و جوانان را ارائه می‌کند، فصول ۴ تا ۸ گزارشی از داده‌های کیفی غنی است که عمدتاً به صورت نقل قول‌های مستقیم راجع به موضوعاتی نظیر اثر خشونت خانوادگی در زندگی کودکان و راهبردهای کودکان برای مواجهه با آن ارائه شده است.

فصل سوم، فصلی طولانی است. این فصل ابتدا نمودارهای جمعیتی (نظیر سن، قومیت و ناتوانی) پاسخگویان را توصیف می‌کند. تلاش‌های فراوان محققان برای موردتوجه قرار دادن کودکانی از طیف اجتماعات اقلیت و بچه‌های معلول در پیمایش باید مورد تقدیر قرار گیرد. این گروه‌های اقلیت معمولاً در بیشتر مطالعات قبلی مربوط به کودکان مورد غفلت بودند. این پیمایش پهن دامنه به راستی در نوع خود اولین پیمایشی است که معنای خشونت خانوادگی را میان کودکان مدرسه ابتدایی و راهنمایی مورد کاوش قرار می‌دهد. بقیه فصل سوم، آمارهای توصیفی در خصوص آنچه کودکان از خشونت خانوادگی می‌فهمند و درخصوص دانش و آگاهی شخصی کودکان از رواج خشونت و کشمکش والدین ارائه می‌کند. به بیان صریح، بیشتر یافته‌ها برای کسانی که با موضوعات خشونت خانوادگی آشنا هستند چیز تازه‌ای نیست و برای مثال پسرها بیش از دخترها احتمال داشت بگویند «زنان در صورتی مورد خشونت واقع می‌شوند که مردان را عصبانی کنند» (صفحه ۷۰).

به راستی دانستن این موضوع باعث اندوه است اما چیزی که مهم است جست‌وجوی شیوه‌هایی است که اطمینان دهد هم پسران و هم دختران به اطلاعات درست و شبکه‌ای مناسب برای بحث و گفت‌وگو در باب آینده‌شان دسترسی داشته‌اند. بعد از طرح «آمار و ارقام» در فصل سوم، پنج فصل بعدی، براساس توصیفات کودکان، مادران و متخصصان به موضوعات متنوع مرتبط با تجربیات زیسته از خشونت خانوادگی می‌پردازد. در میان این فصول، من به عنوان یک آسیایی فصل پنجم را بسیار جالب

دیدم و معتقدم یافته‌های آن بدون شک استلزامات کاری عظیم برای وکلایی دارد که متعهد به ارتقای نگهداری از کودکان بدون رواداری ظلم بر آنان هستند. این فصل با در نظر داشتن کودکان سیاهپوست و اقلیت‌های قومی فرصت می‌دهد تا درباره تجربیات منحصر به فرد آنان از بهره‌کشی و تبعیض نژادی سخن بگویم. فصل جذاب دیگر، یعنی فصل ششم، مربوط به موضوعات مربوط به پدری و پدری نمودن است و درباره اینکه چگونه کودکان با پدران خشن‌شان زندگی کرده‌اند و چه احساسی درباره پدرشان داشته‌اند، بحث می‌کند. داستانهایی که در این فصل آمده‌اند خیلی ناراحت‌کننده و اندوهناکند و باید از کودکانی که چنین شجاع بودند که ما را در آگاهی از آنچه بر سرشان آمده سهیم کردند، تقدیر شود.

به طور کلی، کتاب چشم‌اندازهای کودکان درباره خشونت خانوادگی به سبک روانی نوشته شده و خواندنش راحت است. این کتاب برای همه دانشجویان رشته مددکاری اجتماعی و نیز برای دوره‌های بازآموزی رفاه و حمایت کودک کتابی ضروری است. به علاوه، این کتاب در درک این که کودکان و جوانانی که در شرایط خشونت خانوادگی زندگی می‌کنند چه می‌خواهند و به چه چیز نیاز دارند؛ برای متخصصانی که به طور مستقیم در زمینه حمایت از کودک فعالیت می‌کنند، مدارس و دادگاه‌های جنایی آموزنده و مفید است. آن چنان که در فصل نتیجه‌گیری اشاره شده یافته‌های مطالعه حاضر پیام‌های اساسی متعددی برای متخصصان مختلف از قبیل: مددکاران اجتماعی و کلا، مددکاران آوارگان، مددکاران کودکان، پلیس و قضات، با در نظر گرفتن این پرسش دارد که آنها چگونه به بهترین وجه می‌توانند به کودکان و مادران‌شان در فرایند درمان و بهبود کمک کنند. قدم بعدی پس از خواندن این کتاب، جامه عمل پوشاندن به این یافته‌هاست.

*Wing Hong chui